

کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار در روابط زوجین

سیده سیما موسوی مقدم^۱

محمدصادق شجاعی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی کارکردهای تربیتی مهر و اقتدار در روابط زوجین انجام شده است. روش به کار رفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. برای دستیابی به این هدف ابتدا با مراجعه به منابع دینی از جمله قرآن کریم، کتاب‌های روایی و تفسیری و نیز منابع روان‌شناسی، مطالب و موضوعات مرتبط با مهر و اقتدار، گردآوری و سپس با توجه سؤالات پژوهش و محورهایی که برای این تحقیق در نظر گرفته شده بود؛ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که اگر نقش همسران به صورت درست و مناسب و بر اساس الگوی تعاملی مهر و اقتدار اجرا شود، کارکرد تربیتی خانواده سالم و بهنجار خواهد بود. این کارکردها عبارتند از: رضایتمندی از زندگی زناشویی، رشد و تعالی زوجین، غنی‌سازی روابط زوجین، تقویت خودپنداره مثبت زوجین، رضای نیازهای عاطفی زوجین و نیز تثبیت نقش‌ها در تعامل زوجین. واژگان کلیدی: الگو، مهر و اقتدار، خانواده، آثار تربیتی، زوجین.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

unknownsoldier2649@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ع) و عضو گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

psyalmustafa@gmail.com

مقدمه

خانواده، کوچک‌ترین و مهم‌ترین نظام اجتماعی است. تأمین نیازهای عاطفی فرزندان و پرورش نسل سالم، از مهم‌ترین کارکردهای خانواده به شمار می‌رود. ساختار خانواده با حضور زوجین شکل می‌گیرد و عملکرد مناسب آن‌ها، عامل مهم تضمین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی اعضای خانواده است (سالاری فر، ۱۳۸۸، ص ۵). خانواده مانند دیگر نهادهای اجتماعی در طول زمان از آفت‌ها در امان نبوده و بر اثر عوامل گوناگونی همچون انقلاب صنعتی، جنبش‌های فمینیستی، ورود زنان به بازار کار و برابری زن و مرد دستخوش تغییرات زیادی شده است که از جمله این تغییرات می‌توان به دگرگونی مفاهیم نقش و مسئولیت، جابه‌جایی در توزیع ساختار قدرت، تغییر روند مدیریت در خانواده و کنش متقابل زن و شوهر اشاره کرد. تغییر روند مدیریت در خانواده، موجب دامن زدن به تعارض‌های زناشویی می‌شود که امروزه نیز یکی از علل مهم طلاق، همین مسئله است (سعیدیان، ۱۳۸۲، ص ۲). در سال‌های اخیر کم‌رنگ شدن نقش و اقتدار مرد در خانواده و گرایش توزیع قدرت به سوی زن سالاری، پیامدهای منفی بسیاری را به دنبال داشته است. بر اساس شواهد موجود تغییر در ساختار، نقش‌های جنسیتی و مدیریت خانواده، موجب سست شدن بنیان خانواده و افزایش خشونت، کم شدن کیفیت زندگی زناشویی و طلاق عاطفی شده است که در بسیاری از موارد به طلاق منجر می‌شود (پروین، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰).

چگونگی توزیع قدرت در خانواده میان زن و شوهر، با کمیت و کیفیت خوشبختی زوجین و احساس عادلانه بودن قدرت در خانواده رابطه دارد (مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲، ص ۱۴). بر اساس نتیجه برخی پژوهش‌ها، میان زوجین ۴۰ درصد از خانواده‌هایی که تحت مشاوره قرار می‌گیرند، مبارزه قدرت وجود دارد که به این خانواده‌ها، خانواده‌های مرزی گفته می‌شود (سعیدیان، ۱۳۸۲، ص ۲). بنابراین توزیع ساختار قدرت در خانواده، نقش اساسی در کارآمدی آن دارد و به هم خوردن این سلسله مراتب قدرت، موجب درگیری و کشمکش قدرت در خانواده می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵). از نظر برخی پژوهشگران ساختار تصمیم‌گیری در خانواده، سه حالت دارد: خانواده‌هایی که مرد بیشترین قدرت تصمیم‌گیری

را در آن‌ها دارد، خانواده‌هایی که زن بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را دارد و خانواده‌هایی که زن و مرد در آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری برابر و یکسانی دارند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۳۳). بر اساس آموزه‌های دینی، رعایت سلسله مراتب قدرت برای خانواده و اعضای آن مفید و حفظ آرامش، انسجام و یکپارچگی خانواده لازمه وجود منبعی مقتدر است (نساء: ۳۴). اداره خانه به طور هم‌زمان توسط زن و مرد، موجب بروز درگیری و تزاخم و در نهایت جدایی می‌شود و آرامش خانواده به خطر می‌افتد. بنابراین ضروری است که یکی از آن دو مسئول باشد. دیدگاه قدرت متعادل که از متون دینی استخراج شده و از آیات و روایات الهام گرفته شده است، بیانگر آن است که هر زوج بر اساس توان و مهارت و بر اساس فطرت روان‌شناختی خود مسئولیت می‌پذیرد. بر اساس این دیدگاه، ساختار قدرت و مدیریت بر اساس نیازها و نقش‌های زن و مرد تبیین می‌شود، زن و مرد تسلیم قوانین وجودی خود و یکدیگرند، تمایز نقش‌ها موجب تمایز حقوق و تکالیف می‌شود و این تمایز، مایه استواری روابط و ساختار خانواده می‌شود (ایازی و ناصحی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳-۱۱۳). از نظر اسلام، مرد در نقش شوهر از مقام اقتدار نسبی برتر در خانواده برخوردار است؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۱۹)؛ «با زنان به نیکی و درستی رفتار کنید». این اقتدار در دایره عدالت و معروف معتبر و جاری است. ساختار خانواده، نظامی دوسویه با جهت‌گیری شوهرمحوری است و الگوی مدیریت و قدرت، به صورت ساختار «پدرمرکزی والدین‌سالار» معرفی شده است. زن و شوهر در این ساختار دارای بیشترین اقتدار هستند و مرد با مشورت همسر و تعاملی شایسته و رعایت عدالت در میان اعضا، به امور خانواده سامان می‌دهد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۲، ص ۹۹). کارکرد خانواده در صورتی سالم و بهنجار خواهد بود که نقش همسران به صورت درست و مناسب اجرا شود.

استحکام و تعالی خانواده هم به مهر و محبت و هم به قدرت نیازمند است. بنابراین مهر و قدرت باید با هم وجود داشته باشد؛ همان‌که از آن به «الگوی مهر و اقتدار» تعبیر می‌شود. زارعی توپخانه (۱۳۹۷)، در کتاب الگوی مهر و اقتدار در خانواده این الگو را معرفی کرده است. این کتاب شامل دو بخش کاربردی و نظری است. در بخش نظری ساختار قدرت

۱. ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾.

در خانواده با مراجعه به متون اسلامی و منابع روان‌شناسی مطرح شده است. در مباحث کاربردی افزون بر ارائه الگوی مهر و اقتدار در خانواده که به خوبی این الگو تبیین شده است، راهکارهایی نیز برای نهادینه کردن این الگو ارائه شده است. اگرچه درباره آثار تربیتی الگوی مهر و اقتدار در خانواده تحقیقی انجام نشده است، اما در برخی تحقیقات، به موضوع مهر و اقتدار در خانواده و مبانی نظری آن و ساختار قدرت در خانواده پرداخته شده است. برای مثال مقاله «رابطه بین ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده با عملکرد خانواده» نوشته جان‌بزرگی و همکاران، رابطه ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده با عملکرد خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق ۱۷۰ نفر از معلمان مدارس نورآباد لرستان به عنوان نمونه پژوهش و به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و از روش پرسشنامه‌ای ۴۵ سؤالی عملکرد خانواده (FAD) استفاده شد. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن بود که میان مقیاس ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده و عملکرد خانواده (عملکرد کلی خانواده، عواطف و حل مسئله) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و اقتدار بیشتر مرد در خانواده، موجب تقویت عملکرد خانواده می‌شود.

مقاله «اثر خانواده درمانگری سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده (الگوی مهر و قدرت)» تألیف جان‌بزرگی نیز الگوی مهر و اقتدار را با روش خانواده درمانی سیستمی معنوی مورد پژوهش قرار داده است. در این پژوهش که روی ۴۰ خانواده آزمون سنجش FAD و ۱۰ جلسه یک و نیم ساعته خانواده درمانگری سیستمی معنوی با محوریت فعال‌سازی نقش مبتنی بر نیاز جنسیتی (مهرورزی مردان و قدرت‌دهی زنان) اجرا شده است، این نتایج به دست آمد که الگوی نقش‌ها چه در ساختار و چه در کنش‌وری تغییر و عملکرد خانواده به طور معناداری بهبود یافته است. طبق این الگو اگر زوجین به نیازهای اساسی یکدیگر توجه و آن‌ها را ارضا کنند، طرف مقابل نیز برای برآورده کردن نیاز همسرش انگیزه پیدا می‌کند و به او توجه می‌نماید.

به رسمیت شناخته شدن قدرت مرد در خانواده توسط زن، از سویی موجب مهربان و مقتدر شدن مرد و از سوی دیگر نیاز زن به مهر ارضا می‌شود و در نتیجه زن منعطف،

بانشاط و سازگار خواهد شد؛ چنانکه خداوند در قرآن مرد را قوام و تکیه‌گاه خانواده معرفی کرده و فرموده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ (نساء: ۳۴)؛ «مردان سرپرست و نگهبان زنانند» و زن را منبع مهر و عاطفه و آرامش خانواده دانسته است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ (روم: ۲۱)؛ «و از نشانه‌های او این است که از جنس خودتان، برایتان همسرانی آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید». این موضوع در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقَيِّمَ عَلَى عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۳)؛ از خوشبختی مرد آن است که سرپرست خانواده‌اش باشد. زن از اینکه با مرد مقتدر زندگی کنند، لذت بیشتری می‌برند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «اگر زن (همسرت) تو را مقتدر ببیند، بهتر است از آنکه تو را در حال شکستگی و ضعف بنگرد» (همان، ج ۵، ص ۵۱). بر اساس منابع دینی زن، منبع مهر و محبت خانواده، و چون از نظر شخصیتی احساسی‌تر و عاطفی‌تر است؛ مرد وظیفه دارد با مهر و محبت این منبع عاطفی را تأمین کند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «خداوند رحمت کند مردی را که رابطه خود را با همسرش نیکو کند؛ زیرا خدا زن را به دست مرد سپرده و او را قیّم زن قرار داده است»^۱ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۴). بنابراین اگر این الگو طبق موازنه صحیح و با توجه به حدیث «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۱۶۶) در خانواده انجام شود، کارکردها و پیامدهای تربیتی مثبتی را به همراه خواهد داشت. با توجه به آنچه بیان شد، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی چیست؟

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. این روش معمولاً در جایی کاربرد دارد که پژوهشگر افزون بر تصویرسازی وضعیت موجود، به تشریح و تبیین وضعیت مطلوب و دلایل چگونگی و چرایی آن می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۷۱). برای تشریح و تبیین

۱. «هَنْ يَرِيَنَّ أَنَّكَ ذُو إِقْتِدَارٍ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَرِيَنَّ حَالَكَ عَلَىٰ إِنْكَسَارٍ».

۲. «رَجَمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا تَبَيَّنَهُ وَ بَيَّنَّ رُؤُوسَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيحَتَهَا وَ جَعَلَهُ الْقَيِّمَ عَلَيْهَا».

وضعیت مطلوب، به تکیه‌گاه استدلالی محکمی نیاز است. این تکیه‌گاه در پژوهش حاضر از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و گزاره‌های متون دینی در ارتباط با روابط زوجین فراهم می‌شود. بنابراین فرایند کار به این صورت خواهد بود که ابتدا اطلاعات با مراجعه به منابع اسلامی و روان‌شناختی گردآوری و سپس با به کارگیری شیوه‌های مختلف استدلال در راستای هدف تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

الگوی تربیتی مهر و اقتدار دارای کارکردهایی است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. رضایتمندی از زندگی

بر اساس یافته‌های این تحقیق مهم‌ترین مسئله برای همسران، پایداری خانواده و رضایت زناشویی است. خانواده‌ای موفق است که از زندگی خود خرسند و راضی باشد. احساس خرسندی و رضامندی، شوق و اشتیاق به زندگی را افزایش می‌دهد، کانون زندگی را گرم می‌کند و خانواده را کارآمد، پویا و موفق می‌سازد (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۴۷). زوجین دارای رضامندی و سازگاری در حیطه زندگی با همدیگر توافق دارند. آن‌ها از نوع و سطح روابط کلامی و غیرکلامی شان راضی هستند، روابط جنسی شان را لذت بخش و ارضاکنده می‌دانند، پایبندی‌های مذهبی مشترکی دارند، وقت و مسائل مالی خودشان را به خوبی برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند، در مسائل مورد اختلاف مصلحت زندگی و خانواده را بر مصلحت خود ترجیح می‌دهند و از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند، از نوع و کیفیت گذراندن اوقات فراغت و رفت‌وآمد با اقوام و دوستان رضایت و نهایتاً در تعداد و نوع تربیت فرزندان با هم اشتراک نظر دارند (حیدری خورمیزی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). عوامل متعددی در رضامندی و رضایت زناشویی تأثیر دارد که از جمله این عوامل، پذیرش مدیریت مرد از طرف زن و محبت و مهرورزی به زن از طرف مرد است. در خانواده‌ای که این الگو به درستی اجرا شود، اثر آن به صورت رضایت از زندگی نمود پیدا می‌کند.

زنان از اینکه با مرد مقتدری زندگی کنند، لذت می‌برند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «هَنْ يَرِيَنَّ أُمَّكَ ذُو إِقْتِدَارٍ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَرِيَنَّ حَالِكَ عَلَىٰ إِنْكَسَارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱)؛ اگر زن تو را دارای اقتدار ببیند، بهتر است از آن که تو را به حال ضعف و شکستگی ببیند». از سویی تکیه‌گاه بودن مرد برای زن نیز امری مطلوب و پسندیده است. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام تلاش زنان بیشتر پیوندجویی و همراهی با مردان و تلاش مردان بیشتر مربوط به فعالیت، کار و زندگی بیان شده است: «إِنَّمَا هُمُّهُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هَهُمَا فِي الرَّجَالِ» (همان، ص ۳۳۷)؛ همت مردان در زمین و در کسب و کار است و همت زنان در پیوند به مردان». بنابراین مرد زمانی احساس خوشبختی خواهد کرد که به عنوان قوام و تکیه‌گاه خانواده شناخته شود و مدیریتش مورد احترام قرار گیرد. از سوی دیگر چون زنان منبع مهر و محبت خانواده هستند، از نظر شخصیتی نیز عاطفی‌تر و احساسی‌ترند. از همین روست که خداوند در قرآن فرموده است: «أَوْمَنٌ يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ» (زخرف: ۱۸)؛ «کسی (زن یا دختری) که در زینت پرورش یافته است» و بدین سان رفتار با عطوفت و محبت به زنان را یادآور شده است. بنابراین با توجه به ظرافت شخصیتی زن باید با او با شیوه‌ای پسندیده تعامل شود. مردان نیز وقتی خود را ستون و تکیه‌گاه زن و خانواده ببینند، احساس خوشبختی می‌کنند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ الْقِيَمَ عَلَىٰ عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳)؛ از خوشبختی مرد آن است که سرپرست خانواده‌اش باشد». بنا بر این روایت زن نیز باید به این نیاز مرد پاسخ دهد و در برابر او پذیرندگی داشته باشد. خداوند پذیرندگی زن در برابر همسرش را از ویژگی‌های زنان صالح معرفی کرده و فرموده است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ» (نساء: ۳۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب سؤال زنی که از حقوق مرد بر زن پرسید، فرموده است: «از او فرمان برد و سرپیچی نکند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۴).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان، مردانی را انتخاب می‌کنند که اقتدار بالایی داشته باشند. آنچه که اغلب زنان بیش از هر چیز دیگری خواهان آن هستند، داشتن شوهر و فرزندانِ مهربان و مهرورز است. زنان بیشتر از آنکه مجذوب اشیاء باشند، مجذوب افراد می‌شوند. آن‌ها عاشق رابطه مستحکم و طولانی مدت هستند (رودرز، ۱۳۹۳، ص ۳۰۳). مردان

۱. «أَلَيْ سَمِعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ».

نیز در صورتی می‌توانند به همسران خود مهرورزی کنند که اقتدارشان خدشه‌دار نشده باشد یا بتوانند نقش سنتی حمایت‌گری خود را در خانواده اعمال کنند. زن از اینکه به مرد مقتدری تکیه کند، لذت می‌برد و مرد از اینکه تکیه‌گاه زن باشد، احساس رضایت می‌کند. به طور کلی مردان تمایل دارند نسبت به همسران‌شان منابع قدرت بیشتری را داشته باشند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۸۲).

سوزان استریش، فمینیست برجسته و اولین زنی که وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شد، تکیه کردن به مرد مورد علاقه‌اش را از بهترین لذت‌های خود دانسته است (محمدی، ۱۳۹۳، ص ۸۸). اگرچه زنان سلطه‌جو از دید زنان دیگر مورد ستایش قرار می‌گیرند، اما آنان در ارتباط با مردان مقتدر، تخیلات سلطه‌پذیرانه قوی‌تری را ترجیح می‌دهند و مردانی را انتخاب می‌کنند که اقتدار بالایی دارند (همان، ص ۷۳). پژوهشگران در پژوهش‌های دیگری به این نتیجه دست یافته‌اند که با افزایش قدرت زن در خانواده، رضایت زناشویی او کاهش می‌یابد و بر روی کیفیت رابطه زناشویی اثر منفی دارد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۸۳). در نتیجه اگر مردی خود را تکیه‌گاه زن و ستون خانواده ببیند، احساس خوشبختی می‌کند و زن با پذیرش اقتدار مرد خانه، باعث افزایش رضامندی وی می‌شود. این کار زمینه مسئولیت‌پذیری مرد را فراهم می‌کند. بنابراین زن باید این نیاز مرد را پاسخ دهد و در برابر همسرش پذیرندگی داشته باشد. زنان نیز به خاطر اینکه از نظر شخصیتی عاطفی و احساسی‌تر از مردان هستند، زمانی احساس خوشبختی و رضایت می‌کنند که به مرد توانمندی تکیه کنند که همیشه پشتیبان و تکیه‌گاه آن‌ها باشد. روان‌شناسان درباره این موضوع معتقدند که هر اندازه مردان به همسرشان اظهار محبت کنند، امنیت روانی زن را تأمین می‌کنند و در نتیجه زنان به زندگی مشترک امیدوارتر می‌شوند و با رضایت و شادکامی بیشتری در راستای استمرار خانواده تلاش خواهند کرد (احمدپناهی، ۱۳۹۸، ص ۷۱).

۲. رشد و تعالی زوجین

یکی دیگر از کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار، رشد و تعالی زوجین و منظور از تعالی

خانواده، پرداختن به جنبه‌های حقیقی انسان و ایجاد زمینه رشد برای آنان است (سویزی، ۱۳۸۷، ص ۶۸). برخی عواملی که زوجین را با اجرای الگوی مورد نظر به رشد و تعالی می‌رساند، کسب رضایت الهی و تقویت صفات پسندیده در همسر است که این عوامل، موجب رشد و تعالی خود و رشد و تعالی معنوی و روانی طرف مقابل می‌شود. در ادامه تأثیر برخی موارد مورد نظر در رشد و تعالی زوجین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. کسب رضایت الهی

یکی از مهم‌ترین اهداف در اقتداردهی به مرد و توجه و محبت به زن، اطاعت امر الهی است. از آنجا که این الگو برآمده از منابع دینی است، مفهومی بسیار معنوی دارد و در آن زن و مرد در نظام الهی تعریف شده‌اند و انگیزه زوجین برای عمل کردن به این الگو فقط دو طرف نیست؛ بلکه خداوند عامل معنوی هدف، انگیزه و نیت آن‌هاست. بنابراین رفتار فرد وابسته به رفتار طرف مقابل نیست و هر یک از زوجین تلاش می‌کنند برای کسب رضایت الهی و بدون در نظر گرفتن اینکه طرف مقابل وظیفه خود را انجام می‌دهد یا خیر، نیت خود را اطاعت از اوامر الهی قرار دهند. برای مثال زن در ارتباط با همسر، رفتار خود را بر اساس این دسته از روایات تنظیم می‌کند که می‌فرماید: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷)؛ وظیفه زن، خوب شوهرداری کردن است». امام صادق علیه السلام نیز در روایتی فرموده است: «هر زنی که در خانه شوهرش چیزی را برای سامان دادن وضع خانه جابه‌جا کند، خداوند نظر رحمت به او می‌کند و هر کس مورد رحمت خدا قرار گیرد، خدا عذابش نمی‌کند» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۵، ص ۱۷۵). او باید تلاش کند بخش اعظمی از فعالیت‌هایش برای رسیدن به رضایت الهی و رسیدن به خوبی‌ها برای حفظ اقتدار همسرش باشد، او را با کلام یا رفتار ناشایست تحقیر نکند و به اقتدار مردانه‌اش خدشه وارد ننماید. حال اگر از رفتارهای همسرش آزرده خاطر و ناراحت شود، باید در موقعیت مناسبی همچون جلسات بیان احساس، مسئله را بازگو کند و از سرزنش و شکایت‌های مستمر خودداری نماید. اگر با وجود اقتداردهی به همسرش، مرد وظیفه خود را نسبت به محبت کردن و توجه به همسرش انجام ندهد و یا رفتار و گفتار ناپسند داشته باشد، زن باید سعی کند خود را به صفت صبر

۱. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ رَوْحِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلاَحًا إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ».

و بردباری بیاراید و با خودمهاگرگی، مصداق این روایت رسول خدا ﷺ باشد: «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَحْمِلُ مِنْ زَوْجِهَا كَلِمَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ كَلِمَةٍ مَا كَتَبَ مِنَ الْأَجْرِ لِلصَّائِمِ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (همان، ص ۲۳۸)؛ هر زنی که گفتار ناپسند همسرش را تحمل کند، خداوند به ازای هر کلمه، اجر روزه دار و مجاهد در راه خدا را برای وی ثبت می‌کند».

او این کار را برای اطاعت امر الهی انجام می‌دهد که موجب رشد او می‌شود؛ زیرا معتقد است که خداوند برای او جبران می‌کند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است:

«ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَيَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ امْرَأَةٌ صَبِرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبِرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِي اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةٍ (دیلمی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۷۵)؛ سه طایفه از زن‌ها هستند که عذاب قبر از آن‌ها برداشته شود و با فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله محشور شوند: زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند، زنی که با شوهر بداخلاق بسازد و زنی که مهریه‌اش را ببخشد. خدای تعالی به هر یک از این سه طایفه زن‌ها ثواب یک هزار شهید می‌بخشد و برای هر یک از آنان ثواب عبادت یک سال نوشته می‌شود».

در مقابل مردی که با توجه به روایات نورانی بهترین اعمال را نزد خداوند نیکی و محبت به خانواده و همسر می‌داند، تلاش می‌کند برای کسب رضایت الهی به همسر خود مهر و محبت کند تا مصداق روایت نبوی باشد که فرموده است: «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَحْسَنَ إِلَى عِيَالِهِ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱)؛ محبوب‌ترین مردمان نزد خداوند، کسی است که به خانواده‌اش نیکی کند» و نیز فرموده است: «مردی که برای همسرش لقمه می‌گیرد، نزد خداوند پاداش دارد» (همان، ص ۳۹۳). بنابراین زوجین باید به این نکته توجه داشته باشند که این کار نه تنها بازتاب دنیوی دارد و موجب تحکیم بنیان خانواده می‌شود؛ بلکه در آخرت نیز از پاداش آن بهره‌مند می‌شوند. از همین روست که زن و مرد تلاش می‌کنند با نیت و انگیزه الهی در اجرای الگوی مذکور رضایت الهی را کسب کنند و موجب رشد و تعالی معنوی خود شوند.

۱. «إِنَّ الرَّجُلَ لِيُؤَجَّرَ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي امْرَأَتِهِ».

۲-۲. رشد و تقویت صفات پسندیده

زوجی که در رفتار با طرف مقابل الگوی مهر و اقتدار را سرلوحه رفتار خود قرار می‌دهند، موجب تقویت و ایجاد برخی صفات و ویژگی‌های پسندیده همچون صداقت، صبر و بردباری، تکریم و احترام همسر، رازداری و وفاداری نسبت به همسر و مسائل مربوط به خانواده، قدردانی و سپاس از همسر در خود می‌شوند. قدردانی و تشکر از زحمات همسر، صفت پسندیده و یکی از آثار و نتایج پیاده کردن الگوی مذکور در میان زوجین است و آن‌ها را به رشد اخلاقی می‌رساند. یک زن با این ویژگی می‌تواند به مرد نیرو دهد، اقتدار او را هدایت کند و موتور محبت و مهرورزی مرد را نسبت به خودش به حرکت درآورد. بنابراین زنان باید تلاش کنند تا خود را به این صفت پسندیده متصف کنند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي اِنْ اُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَ اِنْ مُنِعَتْ رَضِيَتْ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۳۹)؛ بهترین زنان شما زنی است که اگر به او چیزی داده شود، راضی باشد». امام علی علیه السلام نیز در روایتی فرموده است: «هر کس می‌خواهد ازدواج کند، دو رکعت نماز بخواند و بعد از حمد الهی این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً... اِنْ اَحْسَنْتُ شَكَرْتُ وَ اِنْ اَسَأْتُ غَفَرْتُ (همان، ص ۲۶۸)؛ خداوند! همسری روزی‌ام گردان ... که اگر نیکی کردم، سپاس گوید و اگر بدی کردم، مرا ببخشد»^۱.

تشکر و سپاسگزاری از زحمات همسر هم کارکرد ارتقایی و هم کارکرد درمانی دارد؛ زیرا اگر میان همسران رابطه خوبی برقرار باشد، موجب افزایش رضایت و محبت میان آن‌ها می‌شود و اگر ناراحتی و کدورتی میان‌شان باشد، سپاسگزاری موجب اصلاح رابطه و بازگشت عاطفه می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳). قدردانی هر یک از همسران از دیگری و تحسین وی بنا بر قانون تقویت در شرطی‌سازی کنشگر، آنان را در انجام دادن کارهای خانه یا بیرون خانه دلگرم‌تر می‌کند. سپاسگزاری از زحمات همسر، عامل مهمی در پیوند عاطفی بیشتر آنان

۱. قال علی علیه السلام: «مَنْ ارَادَ مِنْكُمْ التَّزْوِجَ فَلْيُصَلِّ رُكْعَتَيْنِ وَ لِيَقْرَأْ فِيهِمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ يَسْ فَادًا فَارَعُ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى وَ لِيُبَيِّنْ عَلَيْهِ وَ لِيَقُلْ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً وَدُوداً وَ لُوداً شُكُوراً غَيُوراً اِنْ اَحْسَنْتُ شَكَرْتُ وَ اِنْ اَسَأْتُ غَفَرْتُ وَ اِنْ اَعَانَتْ وَ اِنْ نَسِيَتْ ذَكَرْتُ وَ اِنْ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظْتُ وَ اِنْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا سَرَّخْتُ وَ اِنْ اَمَرْتَهَا اطَاعْتَنِي وَ اِنْ اَقْسَمْتُ عَلَيْهَا اَبْرَثَ قَسَمِي وَ اِنْ غَضِبْتُ عَلَيْهَا ارْضَيْتَنِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَاِنَّمَا اَسْأَلُكَهُ وَ لَا اَتَّخِذُ الْاِبَّ مِمَّا مَنَنْتَ وَ اَعْطَيْتَ وَ قَالَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ اَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ».

و عنصری تعیین‌کننده در دل‌بستگی و علاقه‌مندی و بهبود روابط بین آن‌هاست. بر اساس پژوهشی در این باره، ۸۷ درصد همسران گفته‌اند که انتظار دارند در برابر زحمات خود مانند آشپزی، بچه‌داری، تدریس، تحصیل، کارمندی، خرید منزل و مسافرت بردن قدردانی ببینند. کارل راجرز، یکی از روان‌شناسان غربی، در این باره می‌گوید: «انسان نیاز دارد به اینکه دیگران برای او ارزش و منزلت قائل باشند و او را قدر بدانند. اهمیتی که شخص به این موضوع می‌دهد، در کنش‌های درونی و جنبه‌های تحریکی ارگانیزم و در رفتار او اثر بسیار می‌گذارد» (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۲۶). جان گری نیز درباره سپاسگزاری زن از مرد می‌گوید: «هرگاه زن از مرد قدردانی می‌کند، مرد بابت آن قدردانی به زن امتیاز می‌دهد؛ زیرا حس می‌کند که زن دوستش دارد. مردان نیز برای امتیاز دادن به زن لزوماً نمی‌خواهند زن برای آن‌ها کاری انجام دهد؛ بلکه تنها می‌خواهند دوست‌شان بدارد و قدردان‌شان باشد. از این‌رو زنان باید از مردان قدردانی کنند، وگرنه ایفای وظایف مردان بی‌اهمیت و بی‌ارزش می‌شود» (گری، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹). در این صورت هر دو زیان می‌بینند و رابطه میان آن‌ها به سردی می‌گراید.

۳. غنی‌سازی روابط زوجین

یکی دیگر از مهم‌ترین کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار در ارتباط با زوجین، غنی‌سازی روابط آن‌هاست. از آنجا که زن و مرد پایه‌گذار اصلی بنیان خانواده هستند، رابطه و تعامل صحیح زوجین با یکدیگر در آرامش خودشان و اعضای خانواده تأثیر بسزایی دارد. همسرانی که تحت تأثیر الگوی مهر و اقتدار باشند، روابط‌شان با یکدیگر بهتر و رضایت‌بخش‌تر است و این خانواده از استحکام و پویایی برخوردار خواهد بود.

وقتی مرد در رفتار و کلام خود نیاز به محبت همسرش را ارضا کند، زن نیز به نیاز مرد پاسخ می‌دهد و راحت‌تر می‌تواند شوهرش را بپذیرد و او را باور کند (همان، ص ۱۸۰). مردان نیازمند این هستند که همسرشان به آن‌ها نشان دهد به قدرت او برای رسیدن به خواسته‌هایشان در زندگی احتیاج دارد. آن‌ها نیاز دارند که احساس کنند قوی و قدرتمند هستند. آن‌ها می‌خواهند حامی همسران‌شان باشند (سوادکوهی، ۱۳۸۹، ص ۹۴). اگر رفتار و حرکات زن نشان

دهد که توانایی‌های مرد را قبول و اطمینان دارد که او می‌تواند از عهده انجام کارهایش برآید، او را باور کند و وی را مرد لایقی بداند، مرد احساس اطمینان و اعتماد می‌کند و نخستین نیاز اصلی‌اش برآورده می‌شود. در نتیجه او نیز خود به خود توجه بیشتری به برآورده کردن نیازها و خواسته‌های همسرش نشان می‌دهد و زمینه تکیه‌گاهی و مسئولیت‌پذیری در او ایجاد می‌شود. اگر زن با پذیرش شوهر هنگام فشارهای روحی به او بگوید: «تو قادر هستی بهترین کار ممکن را انجام دهی، من مطمئن هستم که از عهده آن بر خواهی آمد» و او را همان‌گونه که هست، بپذیرد و از غر زدن چه به صورت لفظی و چه عملی و چه احساسی بپرهیزد، می‌تواند حس اعتماد و اطمینان را به او القا کند؛ زیرا غر زدن نه تنها رفتار شوهر را تغییر نمی‌دهد؛ بلکه موجب رنجش و آزار دو طرف می‌شود.

وقتی زنی با مهربانی و محبت رفتارهای همسرش را قبول داشته باشد، مرد احساس می‌کند مورد پذیرش همسرش قرار گرفته و همسرش او را تأیید کرده است. در این صورت مرد راحت‌تر به حرف‌های همسرش گوش می‌دهد، او را درک می‌کند و به نیازش پاسخ مثبت می‌دهد. در مقابل مردی که به نیاز و تمایل همسرش برای سخن گفتن توجه می‌کند و می‌داند که منظور همسرش از زیاد صحبت کردن، رهایی از فشار روانی است؛ برای او شنونده خوبی خواهد بود و زمانی را برای گفتگو در مورد مسائل مورد علاقه همسرش قرار می‌دهد. این توجه به نیاز همسر موجب استحکام روابط میان آن‌ها می‌شود؛ چنانکه رسول اکرم ﷺ فرموده است: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱)؛ نشستن مرد در کنار خانواده‌اش، نزد خداوند متعال دوست‌داشتنی‌تر از اعتکاف در مسجد من است». بنابراین زن برای بهبود رابطه با شوهرش، باید به مرد خانه این احساس را بدهد که مدیریت خانه با شماست و نباید در مقابل آن جایگاه مقاومت کند. به تعبیر دیگر زن باید قدرت ظاهری را به مرد بسپارد و با هنر دلربایی خود بر قلب شوهرش حکومت کند. مردی که اقتدار خود را در خطر ببیند، به شدت پرخاشگر می‌شود و در صدد تلافی و آزار اذیت همسرش بر می‌آید. زن برای رهایی از این مشکل باید از هر نوع فخرفروشی در زمینه‌های خانوادگی، مالی،

ظاهری، فکری و کارآمدی بپرهیزد. این رفتارهای اقتدارشکن موجب تیره شدن روابط میان زوجین می‌شود.

هر چه مردان بیشتر به توجه و مراقبت از زنان روی آورند، اعتماد بیشتری را از آنان کسب می‌کنند. در حقیقت ارضای نیاز طبیعی زن (مراقبت) موجب می‌شود نیاز طبیعی مرد (اعتماد) تأمین شود. از سوی دیگر اگر زن به مرد اعتماد کند و او را مدیر و مسئول زندگی مشترک بداند، مرد انرژی می‌گیرد و بیش از پیش به مراقبت از همسر خود می‌پردازد. بنابراین ارتباط میان تأمین این نیازها، دوسویه است و منجر به غنی شدن روابط زوجین می‌شود (عباس‌پور، ۱۳۹۲، ص ۸۷).

۴. ارضای نیازهای عاطفی همسران

خانواده، کانون دوستی و مهربانی است (روم: ۲۱). یکی از نیازهای اساسی انسان که باید در این کانون برآورده شود، نیاز عاطفی است که نادیده گرفتن آن موجب نارضایتی می‌شود. ارضای نیاز عاطفی در زوجین که یکی از کارکردهای دیگر الگوی مهر و اقتدار است، موجب آرامش می‌شود و بسیاری از مشکلات را کاهش می‌دهد. رابطه تعامل زوجین با یکدیگر، رابطه‌ای عاطفی و دوطرفه است. باید به این نکته نیز توجه شود که نیاز عاطفی زن و مرد با هم متفاوت است. روابط محبت‌آمیز و مراقبت برای زنان نسبت به مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است. در مقابل، مردان بیشتر به سپاسگزاری و فرمان‌پذیری و اعتماد بها می‌دهند (ضمیری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹ و ۲۰۰). پس باید برای هر یک از طرفین مهم باشد که نیاز طرف مقابل را برطرف کند؛ زیرا با رعایت این الگو نیاز عاطفی هر یک از زوجین اغنا می‌شود و هر یک از آن‌ها نیاز طرف مقابل خود را برطرف می‌کند. اگر مرد درک بیشتری نسبت به نیازها و احساسات همسر خود نشان دهد، زن احساس می‌کند که بیشتر درک شده است و به همان اندازه بیشتر می‌تواند پذیرای همسرش باشد. به عبارت دیگر زنان در برابر محبتی که از سوی همسر خود می‌بینند، از او قدردانی می‌کنند و به او اقتدار می‌دهند و بدین سان این تعامل و رفتار دوجانبه در طول زندگی ادامه خواهد داشت. این مسئله افزون

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً».

بر اینکه موجب با صفا شدن و پویا بودن زندگی می‌شود، زمینه رشد و ظهور استعداد های عاطفی زن و شوهر را نیز فراهم می‌کند (احمدپناهی، ۱۳۹۸، ص ۴۰).

مرد به علت وظیفه تکیه‌گاه بودنش نسبت به زن، باید تکیه‌گاهی برای امور مالی او نیز باشد. حساست مرد، تکیه‌خواهی زن را با چالش روبه‌رو می‌سازد و او را از نظر عاطفی دچار مشکل می‌کند؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «لَيْسَ مَثًا مَنْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيَالِهِ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۵۶)؛ از ما نیست کسی که خدا روزی او را وسعت داده است، اما او به خانواده‌اش سخت می‌گیرد». بر همین اساس در منابع دینی سفارش شده است که مرد با توجه به توان و جایگاه اجتماعی زن، نیاز مالی او را تأمین کند و نیز توصیه شده است که مردان افزون بر تأمین نیازهای روزانه، در حد توان خود ماهانه هزینه‌ای را برای همسر خود در نظر بگیرند تا او آن را در مورد چیزهایی که صلاح می‌داند، صرف کند. گشاده‌دستی و سخاوت مرد، منبع عاطفی همسرش را لبریز و او را نسبت به زندگی دلگرم می‌کند.

۵. ایجاد خودپنداره‌های شخصیتی مثبت

یکی دیگر از کارکردهای پیامد اجرای صحیح الگوی مهر و اقتدار در خانواده، ایجاد خودپنداره مثبت در زوجین است. «خودپنداره» نوعی خودشناسی، به معنای آگاهی فرد از خویش به منزله یک شخص یا به معنای ارزشیابی فرد از خویش است (شعائری‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۳۶). یکی از راه‌های تحقق چنین بینش و قضاوتی درباره خود، مشاهده رفتار، تفکر و نظرات دیگران درباره خویش است. انسان از این راه، خود و شخصیتش را از آینه دید و قضاوت دیگران می‌بیند و از ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی خویش آگاه می‌شود. برای مثال اگر ببیند همه اهل محل زندگی یا محل کار به وی احترام می‌گذارند و با وی رفتار مناسبی دارند، درخواهد یافت که شخصیت او در نظر آنان مثبت است. به همین سبب او نیز خود را مثبت خواهد دید، اما اگر چنین نشد و رفتار دیگران با او مناسب نبود و گاه با او درگیر شدند، درخواهد یافت که دیگران درباره شخصیت وی نظری مثبت ندارند و او را انسانی مثبت ارزیابی نمی‌کنند. بدین ترتیب خود او شخصیت خویش را منفی ارزیابی می‌کند و

نظری منفی درباره خویش خواهد داشت. چنین حالتی در افراد، همان «خودپنداره» آنان از خویش است (طوسی ۱۳۹۱، ص ۳۱۲).

در روابط زناشویی نیز چنین است. حاصل اقتداردهی و مهرورزی به هم در روابط زناشویی، منجر به شکل‌گیری خودپنداره‌های مثبت در آن‌ها خواهد شد؛ زیرا آنان خواهند فهمید که هر یک در نظر دیگری ارزشمند است. در نتیجه او نیز در پی جبران بر می‌آید و حاصل رفتار او نیز شکل‌گیری خودپنداره‌های مثبت در دیگری خواهد بود. شکل‌گیری چنین شخصیتی با خودپنداره‌های مثبت، پایه و اساس بسیاری برخوردها و رفتارهای مفید و سازنده در محیط خانواده است. بخش مهمی از برداشت مردان نسبت به شخصیت خود از سوی همسران‌شان تأمین می‌شود و عکس این مورد درباره زنان صادق است، اما مردان برای یافتن نقش و جایگاه خود بیشتر به کمک همسرشان نیاز دارند؛ زیرا قسمتی از شخصیت خود را در نقش قیم و مدیریت خانواده می‌یابند. اقتداردهی زن به شوهرش، به مرد قدرت و احساس امنیت می‌بخشد و احساس پذیرش و تصدیق زن موجب می‌شود که مرد احساس کفایت کند. مرد در صورت احترام، تکریم و اعتمادبخشی، شخصیت خود را در خانواده باز می‌یابد و برای ایفای نقش قوامت آماده شده قوی‌تر گام بر می‌دارد (بهزادپور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹). اگر مرد خود را در خانواده مفید و کارآمد و ارزشمند بداند، احساس توانایی و کفایت و ارزشمندی خواهد داشت و از عزت نفس و اعتماد به نفس بیشتری برخوردار خواهد بود و در نتیجه از سلامت روانی بیشتری نیز بهره خواهد برد (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹). زن نیز وقتی از جانب همسرش در خانواده و در مقابل دیگران مورد محبت و توجه قرار گیرد، عزت نفس و فرصت تجلی می‌یابد و انرژی‌های متراکم‌شده در وجودش بروز می‌کند. در این صورت خودپنداره مثبت در او شکل می‌گیرد و نسبت به خود احساس ارزشمندی خواهد کرد. پس این مکانیزم همان‌گونه که در مباحث پیشین اشاره شد، موجب آرامش میان زوجین و افزایش عزت نفس آن‌ها می‌شود و سرانجام، برای آن‌ها رضایت خاطر ایجاد می‌کند و نسبت به زندگی زناشویی احساس رضایت بیشتری می‌کنند.

۶. تثبیت نقش‌های زن و مرد

یکی دیگر از کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار، تثبیت نقش زن و مرد در ساختار خانواده است. خداوند متعال برای شکل‌گیری نظام احسن و گردش زندگی خانوادگی و اجتماعی، به زن و مرد استعدادها و ظرفیت‌های متفاوتی عطا کرده است و هم‌تراز با استعدادهای متفاوت زن و مرد، نقش‌هایی را از این دو انتظار دارد. تعامل درون نظام خانواده، به برجسته کردن نقش زن و مرد در ساختار خانواده کمک می‌کند. منابع دینی ضمن اشاره به جوهر یکسان انسانی زن و مرد، نقش‌ها و نیازهای آنان را در خانواده متفاوت می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۴۰). هر چند زن و مرد از نظر حقوق انسانی و کنش آرامش‌بخشی برابرند، اما در نظام خانواده عمل و نقش یکسانی ندارند و تحلیل و تفسیر آیات قرآن کریم به خوبی گویای این امر است. قرآن کریم زنان را به زمین یا کشتزاری تشبیه کرده است که همه طبیعت را در دل خود می‌پروراند و برای بیننده خود یعنی مرد، محرکی جذاب هستند. علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه «نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (بقره: ۲۲۳)؛ «زنان شما کشتزار شمایند، پس (برای کشت فرزند صالح) به آن‌ها نزدیک شوید هر گاه (مباشرت آنان) خواهید» گفته است: «خدای تعالی در آفرینش زن دو خصلت قرار داده است که به آن دو خصلت، زن از مرد امتیاز پیدا می‌کند؛ اول اینکه زن را به منزله کشتزاری برای تکون و پیدایش نوع بشر قرار داده است تا نوع بشر در داخل این صدف تکون یابد و نمو کند تا به حد ولادت برسد. پس بقای نوع بشر بستگی به وجود زن دارد و به همین جهت که او کشتزار است، مانند کشتزارهای دیگر احکامی مخصوص به خود دارد و با همان احکام از مرد ممتاز می‌شود». ایشان درباره خصلت دوم نیز گفته است: «زن باید جنس مخالف خود، یعنی مرد را مجذوب خود کند و مرد برای اینکه نسل بشر باقی بماند، به طرف او و ازدواج با او و تحمل مشقت‌های خانه و خانواده جذب شود. خداوند در آفرینش، خلقت زن را لطیف قرار داد و برای اینکه زن مشقت بچه‌داری و رنج اداره منزل را تحمل کند، شعور و احساس او را لطیف و رقیق کرد و همین دو خصوصیت که یکی در جسم او و دیگری در روح او تأثیری در وظایف محول به او دارد» (همان، ج ۲، ص ۴۰۹). این کنش‌های متفاوت تا حدودی تمایز نقش زن و مرد در خانواده را برجسته می‌کند.

بر اساس آموزه‌های دینی مهم‌ترین وظیفه مردان به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی و جسمی آن‌ها، قوام‌بخشی به زندگی است. بنابراین زن دارای نقش روان‌شناختی پرورش‌دهندگی و مرد نقش تأمین امکانات و قوام‌بخشی به خانواده، حفاظت و احیای زندگی در ابعاد مختلف برای اجرای این امر مهم را بر عهده دارد. هم زن و هم مرد کنش مراقبتی دارند. زن مراقبت از خود، شوهر و فرزندانش که موضوعات پرورش او هستند و مرد مراقبت از حریم، زندگی و تأمین امنیت روانی و عاطفی خانواده را به دوش می‌کشند. به عبارت دیگر تأمین عشق و محبت و امنیت هم عاطفی و هم مالی، برای همسر بر عهده مرد است و زن، این عشق و محبت را به نیروی سازنده برای اعضای خانواده تبدیل می‌کند. بر اساس تعبیر قرآنی، مردان توانمند و مسئول قوام‌بخشی به زندگی زنان هستند. زنان نیز با عمل صالح و تواضع و اطاعت (قانت بودن) این نقش را تقویت می‌کنند. اگر زن توانایی پرورش‌دهندگی را دارد و زمینه‌ساز به ثمر رسیدن بذره‌های معنوی خانواده است، به قوامیت مرد احترام می‌گذارد و زمینه پرورش این مسئولیت را نیز برای همسرش ایجاد می‌کند؛ مرد نیز در مقابل با توجه همه‌جانبه خود به زن، او را در این امر کمک می‌کند. لطافتی که علامه طباطبایی در تفسیر آیه به آن اشاره می‌کند، مسئولیت مرد است و حقی را برای زن ایجاد می‌کند که با او رفتار نیک و همراه با ملاطفت داشته باشد؛ چراکه به نظر می‌رسد آرامش او برای پرورش‌دهندگی به این ملاطفت همراه با تدبیر و عقلانیت بستگی دارد؛ همانند کشاورزی که به درستی تشخیص می‌دهد در کشتزارش چه نوع محصولی بهتر به ثمر می‌نشیند. بنابراین بر اساس تقسیم نقش‌ها در اسلام مرد نقش قوام‌بخشی به خانواده را دارد، اما بدون وجود زن چنین نقشی بی‌معناست. پس اگر مرد مستعد اقتدار برای قوام‌بخشی به زن و خانواده است، به دلیل همکاری زن برای بروز این استعداد است (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

از نظر اسلام، معیار سلامتی و بهنجاری خانواده این است که هر کس در جایگاه و نقش متناسب و هم‌سنخ خود به ایفای صحیح نقش‌های مورد انتظار بپردازد. اگر نقش و مسئولیت و جایگاه اعضای خانواده مبهم یا متزلزل باشد و یا التزام به ایفای نقش‌های

هنجاری وجود نداشته باشد، آن خانواده نمی‌تواند به اهداف و کارکردهای مورد انتظار دست یابد (احمدپناهی، ۱۳۹۸، ص ۲ و ۳). با توجه به نقش‌های خاص هر یک از زوجین، توزیع الگوی مهر و اقتدار در میان همسران به طور متوازن موجب تثبیت نقش‌های آن‌ها در خانواده می‌شود و از آنجا که قرار گرفتن زوجین در جایگاه و نقش دیگری اثرات مخرب روانی و تربیتی به دنبال خواهد داشت، نشان دادن زوجین در نقش خود که از کارکردهای الگوی مورد نظر است؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

ساختار بهنجار و کارآمد توزیع قدرت در خانواده، ساختاری است که در آن مرد و زن هر دو در اداره خانواده سهیم و دارای اقتدار هستند که در این میان، اقتدار بیشتر مرد در چارچوب الگوی مهر و اقتدار کارآمدی بیشتر خانواده را به دنبال خواهد داشت. با توجه به سؤالی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی چیست، می‌توان گفت اگر الگوی مذکور در فضای خانواده به خوبی انجام شود؛ کارکرد و اثراتی در ارتباط با زوجین خواهد داشت و به طور طبیعی، آرامش‌گری را میان آنان به ارمغان خواهد آورد. هدف این الگو، وحدت بخشی و انسجام به خانواده است. این مکانیزم آرامش را در خانواده ایجاد و عزت نفس افراد را حفظ می‌کند و در نهایت افراد خانواده را نه تنها به نشاط می‌رساند؛ بلکه موجب رضایت خاطر آن‌ها می‌شود.

در این تحقیق رضایتمندی از زندگی زناشویی، رشد و تعالی زوجین، غنی‌سازی روابط زوجین، تقویت خودپنداره مثبت زوجین، ارضای نیازهای عاطفی زوجین و تثبیت نقش‌ها در تعامل زوجین به عنوان کارکردهای تربیتی الگوی مهر و اقتدار در روابط زوجین به دست آمد. در خانواده‌ای که زوجین این الگو را به درستی اجرا کنند، اثر آن به صورت رضایت از زندگی نمود پیدا می‌کند. زنان از اینکه با مرد مقتدری زندگی کنند، لذت می‌برند؛ زیرا آنان از نظر شخصیتی، عاطفی و احساسی‌تر از مردان هستند و زمانی احساس خوشبختی و رضایت

می‌کنند که به مرد توانمندی تکیه کنند. مردان نیز وقتی خود را تکیه‌گاه زن و ستون خانواده ببینند، احساس خوشبختی می‌کنند. زن با پذیرش اقتدار مرد در خانه، زمینه‌ساز افزایش رضامندی وی می‌شود و زمینه مسئولیت‌پذیری او را فراهم می‌آورد. پس زن باید این نیاز مرد را پاسخ دهد و در برابر همسرش پذیرندگی داشته باشد. از کارکردهای تربیتی دیگر الگوی مهر و اقتدار بر روی زوجین، رشد و تعالی آن‌هاست. منظور از تعالی خانواده، پرداختن به جنبه‌های حقیقی انسان و ایجاد زمینه رشد برای آنان است. برخی از عواملی که زوجین را با اجرای الگوی مورد نظر به رشد و تعالی می‌رساند، کسب رضایت الهی و تقویت صفات پسندیده است که این عوامل موجب رشد و تعالی خود و رشد و تعالی معنوی و روانی طرف مقابل می‌شود و موجبات شکوفایی زوجین را ایجاد می‌کند.

ثمره دیگر الگوی مهر و اقتدار در ارتباط با زوجین در خانواده، غنی‌سازی روابط آن‌هاست. از آنجا که زن و مرد پایه‌گذار اصلی بنیان خانواده هستند، رابطه و تعامل صحیح زوجین با یکدیگر در آرامش خودشان و اعضای خانواده تأثیر بسزایی دارد. همسرانی که تحت تأثیر الگوی مهر و اقتدار باشند، روابط‌شان با یکدیگر بهتر و رضایت‌بخش‌تر است و این خانواده از استحکام و پویایی برخوردار خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

فارسی

۱. احمدپناهی، علی، (۱۳۹۸ ش)، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. ایازی، سید محمد علی و محمد ناصحی، (۱۳۸۹)، «بررسی ساختار توزیع قدرت در رابطه زن-شوهر در خانواده از نگاه آیات و روایات»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۱۳.
۳. بهزادپور، سیمین دخت و خدیجه جلالی دیباجه و سمیه صیادی، (۱۳۹۶ ش)، الگوی ابوت (جایگاه مرد، پدر و همسری) در تحکیم خانواده با الگوگیری از ابوت پیامبر ﷺ، تهران: اسرار علم.
۴. پسندیده، عباس، (۱۳۹۱ ش)، رضایت زناشویی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۵. جان بزرگی، مسعود، (۱۳۹۵)، «اثر خانواده‌درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنشوری خانواده»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ش ۶، سال ۴، ص ۳۸-۹.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۹ ش)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
۷. حیدری خورمیزی، سیدحسین، (۱۳۹۴)، «رابطه پابیندی مردان به آموزه‌های همسرمداری با رضامندی زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۸. رودز، استون، (۱۳۹۲ ش)، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، ترجمه معصومه محمدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. زارعی توپخانه، محمد، (۱۳۹۷ ش)، مهر و اقتدار در خانواده، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۰. _____، مسعود جان بزرگی و محمدرضا احمدی، (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن»، روانشناسی و دین، ش ۲۳، ص ۷۲-۵۵.
۱۱. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۸۸ ش)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. سعیدیان، فاطمه، (۱۳۸۲)، «بررسی رابطه بین ساختار قدرت و خانواده با تعارضات زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
۱۳. سوادکوهی، علی اصغر، (۱۳۸۹ ش)، ۴۰ روز برای همسرم، قم: سماء قلم.
۱۴. سوزی، مهری، (۱۳۸۷ ش)، خانواده کارآمد و متعال، تهران: کتاب نیستان.
۱۵. شجاعی، محمدصادق، (۱۳۸۳ ش)، توکل به خدا، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۱۶. شعائری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: امیرکبیر.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. صفوراایی پاریزی، محمد مهدی، (۱۳۸۸)، «شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن»، پایان‌نامه دکتری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۱۹. ضمیری، محمدرضا و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳ ش)، درسنامه خانواده در اسلام، قم: جامعه الزهراء ﷺ.
۲۰. طوسی، اسدالله، (۱۳۹۱ ش)، همسران شایسته، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ.
۲۱. عباس پور، علی، (۱۳۹۲ ش)، مدیریت خانواده از دیدگاه آیات و روایات، قم: شفق.

۲۲. گری، جان، (۱۳۷۶ش)، مردان مریخی زنان ونوسی، ترجمه مریم نقیبی، تهران: همشهری.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷ش)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: مشعر.
۲۴. ملکی، حسن، (۱۳۸۱ش)، چگونه با تفاهم زندگی کنیم، تهران: نیکان کتاب.
۲۵. مهدوی، محمدصادق و حبیب صبوری خسروشاهی، (۱۳۸۲)، «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده»، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، دوره ۱، ش ۲، ص ۶۸-۲۷.

عربی

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۱ق)، وسائل الشیعه، بیروت: دارالتراث العربی.
۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه.

